

## نظری جدید به سکه‌های اشکانی

عصر اشکانیان عصری پرافتخار در تاریخ ایران است.

پسارته‌ها بعد از اینکه ایران را از تحت تسلط سلوکی‌ها بیرون آوردند يك امپراطوری وسیع تشکیل دادند که وسعت آن تقریباً به حدود دوره هخامنشی رسیده، البته بغیر از یونان و مصر. و نزدیک پنج قرن سلطنت کردند و سکه‌های زیادی در تمام نقاط امپراطوری خود زدند. برعکس هخامنشی‌ها که فقط سکه‌های معروف خود در يك و سیلکوس (شکل) را داشتند، به تعداد محدود و یکنواخت که آنهم فقط در غرب امپراطوری رواج داشت.

زبان رسمی دوره اشکانی زبان پهلوی اشکانی یا پارتی بود که از زبان دوره هخامنشی ریشه گرفته بود و خط این دوره نیز خط پهلوی اشکانی بود که از خط آرامی اقتباس شده بود ولی در زمان اسکندر ایرانیان را تشویق میکردند که زبان یونانی بیاموزند. بنابراین تمدن یونانی تا حدی به ایران سرایت و نفوذ یافت و در واقع زبان رسمی شد. به این جهت است که روی سکه‌ها یونانی نوشته شده است. این را هم یاد آور شویم که گروه‌های یونانی که مقیم ایران شده بودند بتدریج جذب جمعیت شده و مستحیل گردیدند.

خود اسکندر رسماً دو زن ایرانی گرفت و فرزند روکسانا را وارث تاج و تخت خود معرفی کرد و همچنین بعضی از سردارانش مثل سلوکوس اول زن ایرانی

داشتند و نوادگان سلوکوس از نسل آن زوجه ایرانی بودند و خودشان را نیمی یونانی و نیمی ایرانی میدانستند.

حسن نوشتن به خط یونانی روی سکه‌ها این شد که مورخین و سکه‌شناسان اروپائی به آسانی توانستند تحقیقات مفصل راجع به تاریخ و سکه‌های ایران بنمایند. اشکال مهم در سکه‌شناسی اشکانی این است که سکه‌های زیاد در دست است ولی برای تشخیص آنها مدارک کافی وجود ندارد. سکه‌های اشکانی غالباً بدون تاریخ است و اسم شاه بر آنها ذکر نشده است فقط بنام سلسله خسود یعنی شاه اشکانی Vasilis Arsakoy نامیده می‌شدند. مخصوصاً از اوایل سلسله (۲۴۸ ق. م تا ۵۷ ق. م) یعنی تا زمان به تخت نشستن ارد دوم سخت‌ترین دوره نه فقط برای تشخیص سکه‌ها بلکه برای شناختن شاهانی که به تخت نشسته و تعیین تاریخ دقیق آنها میباشد. برای تشخیص مجبور شده‌اند که بعضی از دسته سکه‌ها را به سلاطین مختلف نسبت بدهند که اسمی آنها فقط از روی کتابهای تاریخی کمیاب و ناقص و با از روی یادداشت‌های کتبه و الواح به دست آمده است. در نتیجه تعجب آور نیست که برای طبقه‌بندی سکه‌ها اختلافات نظر زیاد مابین سکه‌شناسهای معروف و تاریخدانان وجود داشته و هنوز هم دارد و شاید هیچ‌وقت به درستی و به طور یقین ثابت نشود. هفتاد سال پیش که Wroth کاتالوگ British Museum را نوشت و سکه‌های اشکانی را منظم و مرتب کرد تا بحال این سکه‌ها در واقع اسناد دارد شده‌اند و تشخیص او اساس کار سکه‌شناسان قرار گرفته ولی چند سال اخیر محققین و دانشمندان طبق مدارک گنجی که از روی الواح بابل به دست آورده‌اند و تحقیقاتی که از روی چندین گنجینه که در شمال شرق ایران از زیر خاک بیرون آمده بود آوردند تغییراتی در طبقه‌بندی سکه‌ها دادند که البته آنها هم هنوز مورد مطالعه و گفتگو است.

اینجانب که تحقیقات زیاد درباره سکه‌های اشکانی نموده‌ام با این سخنرانی سعی خواهم کرد برای کلاسه کردن سکه‌ها و اسمی شاهان، آنچه محققین و دانشمندان تا بحال گفته و نظر داده‌اند، نتیجه‌گیری نمایم و علاقمندان را به تئوریهای جدید آشنا سازم.

برای بهتر شناختن سکه‌ها لازم میدانم کرونولوژی مختصری راجع به زمان اشکانیان یاد آور شوم. هنگام لشکر کشی اسکندر مقدونی به طرف شرق پارتها، يك

قبیله صحرائین بنام اپارانی یا پارنی، در غرب رود Oxus در ایالت پارت خراسان امروزی زندگی میکردند. بعد از فتح این سرزمین مقدونیه حاکمی بنام Andragoras برای آنها تعیین کردند.

طبق آخرین تحقیقات Wolski دانشمند لهستانی، در سال ۲۴۷ ق. م. ساکنین سرزمین پارنی Arsaces (ارشاک) را پیشوای خود قرار دادند و این اولین تاریخ تأسیس سلسله اشکانی محسوب میشود. ولی در سال ۲۳۸ ق. م. بود که اشکانیها با سرکردگی ارشاک به طرف پارت هجوم بردند و Andragoras ساتراپ سابق را کشتند که خود او هم هفت سال پیش بر سلوکیهایی یعنی شده بود. ارشاک اول بعد از چند سال حکومت پرافتخار در سال ۲۱۱ ق. م. فوت کرد. در سال ۲۰۹ آنتیوخوس سوم به منظور پس گرفتن سرزمینهای از دست رفته از اکباتانا به طرف پارتیا و باکتریا و هند لشکر کشی کرد و موفق شد پارت را دوباره بتصرف خود در آورد و در سال ۲۰۵ ق. م. پیروزمندانه از شرق مراجعت کرد. اشکانیها و باکتریها ناچار بر تری سلوکیهایی را قبول کردند که در حدود ۳۸ سال طول کشید.

از مورخین یونانی مثل Strabo و دیگران برای شروع تاریخ اشکانیان فقط اسمی Arsaces ارشاکها را نام برده اند و بعد Phriapatius و Mithradates - از قرار معلوم نخستین شاهان اشکانی تماماً ارشاک نامیده میشدند به اسم حقیقی نه به اسم فامیلی.

اریان Arrian تاریخ نویس اشکانی که کتاب خود را در حدود سال صدم بعد از میلاد نوشته اول کسی است که نام تیرداد را برده او در واقع حکایتی از سه قرن پیش از خودش را ذکر کرده است.

بر خلاف عقیده Arrian که منبع اغلب مورخین بعدی شده مبنی بر اینکه ارشاک اول برادری داشته بنام تیرداد که قاعدتاً باید در میان این مدت سلطنت کرده باشد، در کتاب Historia VIII معتقد است که این يك موضوع تبلیغی است از طرف خود اشکانیان برای اثبات وراثت سلسله و این يك روش هادی بوده است نزد طوائف صحراگرد و نزد ایرانیان قدیم. بعد از ارشاک اول پسر او ارشاک دوم به تخت نشست و تا سال ۱۹۱ ق. م. حکومت کرد. نظر بعضی مورخین که این شاهزاده جدید را اردوان اول نامیده اند مورد شك قرار گرفته و حالا محققین جدید وجود وی را

قبول ندارند. بعد از این شاه است که سلاطین اشکانی اسم سلسله ئی Artzakoy را ترجیح داده و قبل از نام خود، که آن هم در مواقع بخصوص برده میشده، ذکر میکردند. بعد از ارشاک دوم Phriapatius از ۱۹۱ ق. م. تا ۱۷۶ ق. م. و بعد Phraates I از ۱۷۶ تا ۱۷۱ ق. م. جانشین شدند. در زمان اینها پارتها تحت حمایت سلوکیهایی بودند و استقلال کامل نداشتند لهذا بعید است که سکه زده باشند تا زمان مهرداد اول که استقلال کامل پیدا کردند و مملکت را وسعت دادند.

بعد از این تاریخچه مختصر بهر دلیلی به اصل موضوع یعنی سکههایی که به این دوره مربوط میباشد. چهار سال پیش در شمال شرق ایران در يك دهکده ئی مابین گنبد قابوس و بجنورد گنجینه ئی پیدا شد که در نوع خود بی نظیر بود و موجب حیرت دانشمندان و سکه شناسان دنیا واقع شد.

به مرور زمان گنجینه های زیاد از سکه های اشکانی در نقاط مختلف ایران و بین النهرین به دست آمد مخصوصاً ۲۵ سال پیش در خود گنبد قابوس گنجینه ئی در حدود بیست هزار سکه اشکانی و سلوکی پیدا شد. ولی يك دانه هم از سکه هایی که گنجینه بجنورد را تشکیل میدادند دیده نشده بود و برعکس در گنجینه بجنورد از سکه های اشکانی معمولی و آشنا خبری نبود. این اکتشاف کمک بزرگی بود برای روشن کردن دوره اوایل اشکانیها و برای طبقه بندی سکه ها.

اینجانب با همکاری و کمک David Sellwood يك دانشمند انگلیسی که تحقیقات زیاد راجع به تاریخ ایران مخصوصاً دوره اشکانیان کرده از روی این گنجینه سکه های اوایل اشکانی را طبقه بندی کردیم که در ۱۹۷۱ در The Numismatic Chronicle لندن به چاپ رسید. البته ما مدعی نیستیم که صد درصد تئوری ما درست باشد ولی در هر حال مورد تأیید و تمجید چندین دانشمند اروپائی و امریکائی قرار گرفت و کسی تا بحال تکذیب نکرده با وجود این ممکن است اکتشاف يك گنجینه تازه و یا اسناد دیگر فرضیه ما را عوض کند.

این گنجینه مرکب از حدود ۶۰۰ سکه غیر اشکانی و در حدود ۸۰۰ سکه اشکانی بود.

از سکه های غیر اشکانی ۹۵ درصد سکه های اسکندر مقدونی با ضربخانه های مختلف و چند عدد بنام فیلیپ سوم و لیژماخوی و آنتیوخوس دوم و دو یا سه عدد





1-3 - ARSACES I. 4-5 - ARSACES II. 6-12 - MITH. I. 13-15 - PHRAATES I. 16 - ARTABANUS I.

Diodotos با کتری بود. وجود سکه‌های غیر اشکانی تا حدی کمکی شد برای پی بردن به تاریخ ضرب سکه‌های اشکانی. طبق این سکه‌های غیر اشکانی این گنجینه باید شامل سکه‌هایی باشد که در حدود سالهای ۲۵۰ الی ۱۵۰ ق. م. رواج داشته‌اند.

فصاحتاً برای تشخیص قدمت سکه در يك گنجینه وضع سکه را در نظر میگیرند. در این گنجینه که آنرا به چهار تپه اصلی تقسیم کرده ایم تپه اول ما به عنوان Autocrat (خودمختار) بیشتر از همه فرسوده بنظر آمد - تپه دوم با خط آرامی کمی بهتر و تپه سوم و چهارم نسبتاً بهتر از همه بودند و بعضی از آنها در واقع هیچ استعمال نشده بودند.

وزن سکه‌ها ۴ گرم و مقدری بیشتر بود و با نقره پاک، هموزن سکه‌های انتیوخوس سوم، ضرب اکباتانا، با نقش فیل که در سال ۲۰۵ ق. م. بعد از فتح هند ضرب شده - در زمانهای بعدی سکه‌های اشکانی از نقره پاک نبوده و از چهار گرم کمتر وزن داشته، بغیر از زمان مهرداد دوم که چهار گرم هم داشته است.

مشخصات سکه‌ها: - روی تمام سکه‌های مورد بحث فقط نام ارشاک Arsakoy نوشته شده و هیچکدام لقب پادشاه (Vasillis) را ندارند و این امر ثابت میکند که آنها رؤسای قبیله آپارنی بوده‌اند و رسماً پادشاه شناخته نشده بودند - لقب پادشاه از مهرداد اول شروع میشود.

تپه اول - روی سکه سر يك شاهزاده جوان نقش شده است بدون ریش. روی سر کلاه مخصوص باشلقی دارد شبیه کلاه ترگمنهای امروزی و برخلاف تمام شاهان اشکانی به طرف راست نگاه میکند مثل سکه‌های با کتری یا سلوکیمی همزمان. (صفحه I شکل ۱)

پشت سکه آدمی روی چهارپایه به طرف چپ نشسته تیر و کمان در دست باغ کلاه باشلقی و با لباس بلند و آستین‌دار که احتمالاً خود صاحب سکه باید باشد. تمام سکه‌های این گنجینه آدم پشت سکه روی چهارپایه‌هایی نشسته است. لذا اینها به اسم چهارپایه‌نشین معروف شده‌اند. در مقابل سکه‌های بعدی که به اسم Omphalos (سکونشین) نامیده شده‌اند پشت سکه در اطراف صندلی به خط یونانی نوشته شده است E. R. Bivar یعنی ارشاک خودمختار، اما طبق نظر E. R. Bivar در کتاب The House of Seleucus مفهوم ضمنی آن در پروتوکل مقدونی - سلوکی



معنی Elected general ( رئیس منتخب ) معنی میدهد. استعمال این لقب خارج از پارتیان روی سکه‌های Tryphon سوره در ۱۴۰ ق. م. و روی سکه‌های Theophilus با کتری که یک شاه هند و یونانی بود دیده شده است.

تیپ دوم - روی سکه همان عکس است ولی نگاه به چپ - پشت سکه به خط یونانی Arsakoy در کنار آدمی که روی چهارپایه نشسته و در حاشیه مقابل آدم به خط آرامی تقریباً به این شکل ۱۲۶۶ نوشته دارد - برای پی بردن معنی خط آرامی رجوع کردیم به آقای دکتر Bivar دانشمند انگلیسی که در خواندن آرامی مهارت کافی دارند و ایشان «کارن» تشخیص دادند - به عقیده ایشان در زمان Xenophon، ۴۰۰ سال ق. م. این یک لقب و درجه آرتشی بوده مساوی با General - اگر این صحیح باشد پس نوشته آرامی درست بوده و ترجمه لقب یونانی میباشد. زیر چهارپایه منوگرامی دیده میشود که حتماً به تقلید سکه‌های سلوکی باید نام مخفف شهری که ضرب شده باشد، (صفحه ۱ شکل ۲ و ۳)

این منوگرام که روی اغلب سکه‌های بعدی هم خواهیم یافت ممکن است Mithradatkert باشد. عقیده بر این است که این اسم از زمان هخامنشیها باقی مانده و اسم دژی Citadale است در خود شهر اشکانی (این فرضیه به تحقیقات بیشتر محتاج است) - همچنین بطوریکه خواهیم دید منوگرامهای زیادی روی سکه‌های اشکانی نقش شده که معنی آنها به طور یقین معلوم نیست و درباره آنها اختلاف نظر وجود دارد.

تیپ سوم - روی سکه یک کله بزرگ که تمام سطح سکه را گرفته باز بدون ریش و با کلاه شبیه به سکه‌های قبلی منقوش است. پشت سکه همان شخص چهارپایه نشین است با تیر و کمان در دست که به طرف راست نگاه میکنند. نوشته یونانی ارشاک و زیر کمان حرف A دیده میشود. معنی حقیقی ایدمنوگرام هنوز روشن نیست ولی حتماً علامت محل ضرب میباشد. (صفحه ۱ شکل ۴)

تیپ چهارم - عیناً مثل تیپ سوم است ولی با صورت کوچکتر و پشت سکه در عوض یک عقاب در حال ایستاده دیده میشود که این هم در نوع خود تا بحال دیده نشده بود (صفحه ۱ شکل ۵) - از روی شباهت کامل تیپ سوم و چهارم که با دقت

زیاد مقایسه کرده‌ایم به این نتیجه رسیده‌ایم که این دو تیپ متعلق به یک زمان و کار یک حکاک میباشد منتهی از ضرابخانه‌های مختلف که آنها نباید زیاد از همدیگر دور باشند. بعد از مطالعه دقیق به عقیده ما تیپ اول و دوم که در حدود سالهای ۲۱۵ - ۲۲۰ ق. م. ضرب شده متعلق به ارشاک اول میباشد، تیپ سوم و چهارم که در حدود سالهای ۲۰۹ - ۲۱۵ ق. م. ضرب شده متعلق به ارشاک دوم میباشد.

### لیست شاهان اولیه اشکانی و زمان لشکرکشی انتیوخوس سوم

ارشاک اول	۲۳۸ - ۲۱۱ ق. م.
ارشاک دوم	۲۱۱ - ۱۹۱ ق. م.
لشکرکشی انتیوخوس سوم	۲۰۹ ق. م.
(ارشاک دوم فقط ۵ الی ۶ سال مستقل بوده)	
فریپاتوس	۱۹۱ - ۱۷۶ ق. م.
فراآتس اول	۱۷۶ - ۱۷۱ ق. م.
مهرداد اول	۱۷۱ - ۱۳۸ ق. م.

مهرداد اول - بطوریکه مشاهده شد از سال ۲۰۹ ق. م. تمام ایران و قسمت پارت در تسلط سلوکیها بود تا اینکه در حدود سال ۱۸۹ ق. م. رومیها انتیوخوس سوم را شکست دادند و اشکانیها موقع را غنیمت دانسته به سرکردگی مهرداد اول دوباره بر ضد سلوکیها قیام کردند - ابتدا بابل و ماد را فتح و ضمیمه دولت خود نمودند و سپس عیلام و پارس را از طرف باختر، و آنگاه از طرف خاور با کتیرا را تصرف کردند و تشکیل امپراطوری اشکانی را دادند.

طبق سکه‌ها مهرداد اول خودش را در ابتدا Vasilis یعنی شاه و بعد Vasilis Megaloy یعنی شاه بزرگ خوانده و پایتخت را به تیسفون انتقال داده است. در اوایل سلطنت مهرداد روی سکه‌ها مثل سکه‌های پیشین یعنی با کلاه باشلقی و بدون ریش منقوش است، اما پشت سکه شخص با تیر کمان بجای روی چهارپایه به تقلید سکه‌های سلوکی روی Omphalos (سکو) نشسته و در حاشیه آن بغیر از نام اشکانی لقب پادشاه و یا پادشاه بزرگ نیز دارد - (صفحه ۱ شکل ۶ - ۷ و ۸) روی سکه‌های بعدی مهرداد بار ریش مجسم است (صفحه ۱ شکل ۹ - ۱۱ و ۱۲)

و با پیشرفت متصرفات عناوین مختلف اضافه میکرده مخصوصاً بعد از گسرفتن Seleucia برای جلب یونانیان مقیم ایران لقب Philhellene یعنی دوست یونان را نیز می‌نوشته است.

سکه‌های چهار درهمی مهرداد که توسط حکاکهای یونانی در سلوسیا ضرب شده بسیار جالب و قشنگ است. صورت شاه به طرف راست است مثل سکه‌های یونانی و پشت سکه Herakles یا Zeus خدایان یونان دیده میشود. (صفحه ۱ شکل 10)

Phraates II (فراآسی) - و قتیکه مهرداد در سن پیری و با گذشت سالهای پر افتخار مسرد پسر او فرهاد دوم جانشین او شد و چون خیلی جوان بود مملکت به توسط نایب‌السلطنه اداره میشد. روی تمام سکه‌ها با صورت جوان با ریش کوتاه نقش شده. پشت سکه‌ها عناوین جدید اضافه شده مثلاً شاه بزرگ اشکانی از نسل خدایان (Theopatoros) و یا پیروزی آور (Nikiphoros). وی انتیوخوس هفتم را در ماد شکست داد و دست سلوکها را به کلی از سرزمین خاور فرات قطع کرد. بعد به خاور شتافت که جلوی سکاها را موسوم به توچاری که از مرکز آسیا به ایران هجوم کرده بودند بگیرد و در همین جنگ کشته شد.

روی سکه‌های فرهاد دوم اسامی شهرهای مختلف در پشت سر شاه دیده میشود مثل TAM (Tambrox) NI یا Nica یا Nicahi یا (Nisa) APA (Abarshar) EPAR (Epordas) و غیره. (صفحه ۱ شکل 13، 14 و 15)

این روش را شاهان دیگر بغیر از مهرداد دوم ادامه ندادند. پادشاه اسکندر مقدونی بعد بر سر اردشیر بابکان میبینیم. (شکل 8) طبق الواح بابل باخط میخی، در سال ۱۰۹ ق. م.، این شاه لقب دیگر به خود گرفته بود: Vanilin Vasileon (شاه شاهان) که خیلی بجا بود و این لقب روی سکه‌های آن دوره منعکس است.

مهرداد دوم بغیر از سکه‌های چهار درهمی و درهم، سکه‌های مسی نیز زده با اشکال مختلف و خیلی جالب. تمام شاهان اشکانی از اول تا آخر انواع سکه‌های مسی داشته‌اند ولی سکه طلا از قرار معلوم ضرب نکرده‌اند. بطوریکه مشاهده شد شاهان اشکانی را از اول سلسله تا مهرداد دوم به ترتیب (صفحه ۱ شکل 16)

مهرداد دوم Mithradates II - در میان سلاطین اشکانی بعد از مهرداد اول عمومی او جای دوم را میگیرد که هم از اول سلطنت لیاقت خود را نشان داده است. بین‌النهرین را از وجود سکاها پاک کرد و بعد ارداواسدس Artavazdes پادشاه ارمنستان را شکست داد و در سال ۹۲ ق. م. با دولت رم ارتباط برقرار کرد و پیمان دوستی بست. در زمان وی امپراطوری اشکانی به حداکثر وسعت خود رسید. از طرف خاور به همیالی و شمال هند و از طرف باختر به بین‌النهرین گسترده شد از زمان سلطنت او سکه‌های زیاد و گوناگون به دست ما رسیده و این علامت فراوانی و ترقی روزافزون تجارت آن زمان است.

لقاب جدیدی روی سکه‌ها آورده است مثل Epiphanes (برجسته و نامی) Evergetoy (بانی خیر) و Dikaioy (عادل). سکه‌های مهرداد دوم به چهار رقم اصلی تقسیم میشود. (صفحه ۱۱ شکل 1 و 2)

در دوره دوم در پشت سکه تغییر شکل چشمگیری مشاهده میشود - اولاً آدم تبر کمان در دست بجای آنکه روی سکو بنشیند روی صندلسی سلطنتی نشسته و نوشته‌ها بجای دو طرف سکه چهار گوشه‌ئی است. این شکل توسط شاهان بعدی تا آخر سلسله ادامه پیدا میکند. روی بعضی سکه‌های مهرداد پشت سر شاه منوگرامهای مختلف با ترکیب خیلی جالب وجود دارد که تا بحال کسی نتوانسته است به درستی معنی آنها را بداند - (صفحه ۱۱ شکل 3 الی 7)

در آخرین فرم سکه، شاه يك تاج مزین بر سر دارد که همان تاجی است که سه قرن بعد بر سر اردشیر بابکان میبینیم. (شکل 8)

طبق الواح بابل باخط میخی، در سال ۱۰۹ ق. م.، این شاه لقب دیگر به خود گرفته بود: Vanilin Vasileon (شاه شاهان) که خیلی بجا بود و این لقب روی سکه‌های آن دوره منعکس است.

مهرداد دوم بغیر از سکه‌های چهار درهمی و درهم، سکه‌های مسی نیز زده با اشکال مختلف و خیلی جالب.

تمام شاهان اشکانی از اول تا آخر انواع سکه‌های مسی داشته‌اند ولی سکه طلا از قرار معلوم ضرب نکرده‌اند.

بطوریکه مشاهده شد شاهان اشکانی را از اول سلسله تا مهرداد دوم به ترتیب



در آورده و سکه‌هاییکه در دست داشتیم طبقه‌بندی کردیم که طبق آخرین تحقیقات ممکن است صحیح باشد. فقط اگر وجود تیرداد حقیقت داشته باشد باید پنداشت که ارشاک اول دوره کوتاه‌تر داشته و تیرداد جانشین وی بوده و در این صورت سکه‌هاییکه به ارشاک اول نسبت داده‌ایم باید به تیرداد نسبت داد و بالتسبیح این شاه اول کسی است که سکه زده - و این موضوع هنوز تحت مطالعه می‌باشد. بعد از مهرداد دوم يك دوره فترت وضعف دولت اشکانی بوجود می‌آید و تا دوره ارد دوم تاریخ اشکانیان خیلی تاریک است بطوریکه برای طبقه‌بندی بعضی سکه‌ها که به این دوره مربوط است اشکالات و اختلافات وجود دارد.

مورخین یونانی اسامی مهرداد و ساناتروک Sinatrokes را یاد آور شده‌اند ولی طبق اظهارات Justinus (Epitome of Trogus) در میان این دو، شاهان دیگر نیز بوده‌اند. حالا رجوع کنیم به تابلت‌هاییکه به خط میخی آسوری و یونانی در این اواخر در بابل پیدا شده است و بعضی از آنها که تا بحال ترجمه شده تا اندازه‌ای این دوره تاریک را روشن می‌سازد.

در سالهای آخر سلطنت مهرداد دوم اغتشاشات در بین‌النهرین وجود داشته است - بعضی‌ها مدعی تخت و تاج شده و حکومت را در دست داشته‌اند یکی از این تابلتها چنین مینویسد:

«Year 155 which is year 221 Arsaces King who has expelled Gotarzes and Asiabatum his wife» etc.

یعنی: سال ۱۵۵ که سال ۲۲۱ می‌باشد، شاه اشکانی گودرز و بانوی او آسیاباتوم را راندند...

روی تابلت دیگر:

«Year 168 which is year 232 Arsaces King who drove out Orodes King».

یعنی: سال ۱۶۸ که سال ۲۳۲ می‌باشد شاه اشکانی، شاه ارد را راند.

سال ۲۲۱ سلوکی مطابق است به ۹۲/۹۱ ق. م.

سال ۲۳۲ سلوکی مطابق است به ۸۱/۸۰ ق. م.

از این دو سند نتیجه‌گیری می‌کنیم که قبل از ۹۱ ارشاک اسمش گودرز بوده که ارد را راند.



1-8 - MITHRADATE II. 9-10 - GOTARZES I. 11-13 - ORODES I.





1-3 UNDEWA 5 DARIUS 12-MITHRADES III  
4-SINATROCES 6-9 PHARATES III 13-15-ORODE I

مابین ۹۱ و ۸۰ ارشاک نامش ارد بوده بعد از ۸۰ اسم ارشاک که ارد را رانده چیز دیگر بوده که ما نمی دانیم - و باید منتظر ماند تا الواح دیگر بابل که از قرار یکی شنیده ام چند هزار دانه می باشد خوانده و ترجمه شود. شاید اسم وی نیز معلوم شود. (صفحه III شکل 1, 2 و 3)

مهرداد دوم لقب شاه شاهان را به خود گرفته بود ولی بعد از او این لقب دیگر متعلق به تیگران بزرگ شاه ارمنستان شد که به کمک مهرداد دوم به تخت نشسته بود. تیگران برای جبران کمک مهرداد، به دشمن او یعنی به گوردز در بین النهرین حمله کرد ولی بین النهرین را بتصرف خود نگه داشت و بعد به آذربایجان، ماد Media، ناخست که یکی از مهمترین ولایت اشکانیان بود و آنجا را نیز به قلمرو خود در آورد - بعد از این دیگر لقب شاه شاهان روی سکه ها دیده نمی شود تا زمان ارد دوم.

آخرین سکه که مهرداد دوم زده لقب Phiphellene دارد که حدود سال ۹۳ ضرب شده و این آخرین سال سلطنت گوردز محسوب میشود. از قرار معلوم در این تاریخ مهرداد بین النهرین را از دست داده بود و با استعمال لقب (دوست یونانی) خواسته جمعیت بزرگ یونانیها را که در آنجا اقامت داشتند متقاعد سازد که برمیگردند و بکمک آنها میاید - قبلا احتیاج به این روش نداشت سکههاییکه به احتمال قوی به گوردز اول مربوط میشود تاج مخصوص بر سر دارد وسط تاج یک شاخ و دور آن با آهوهایی در حال نشسته مزین است. پشت سکه Theopatoroy (پسر خدا) و Nikatoron (فاتح) نوشته است (این سکه را از روی کتابهای قبلی قسرهاد سوم میشناسند) - (صفحه II شکل 10 و 11)

بعد از گوردز بطوریکه دیدیم ارد اول جانشین شد تاج او مثل مهرداد است ولی القاب پشت سکه از این قرار است شاه بزرگ اشکانی - خود مختار - دوستدار پدر خود - نامی و دوست یونان (صفحه II شکل 11, 12 و 13)

اغلب محققان این سکه را به Sinatroces یک شاه بعدی نسبت داده اند ولی طبق دلایل محکم که Sellwood ارائه داده به ارد اول تعلق دارد - در این زمان وضعیت سیاسی زیاد هم خوب نبود و ممکن است که او فقط یک قسمت امپراطوری را در دست داشته است.

از سال ۸۰ ق. م. مدتی تاریخ اشکانیها نامعلوم است تا اینکه نام Sinatroces



(سنندروك) در سال ۷۰ ق. م. در میان می آید - سنندروك هفت سال سلطنت كرد ولی معلوم نیست بكدام قسمتهای امپراطوری تسلط داشت - روی سكه همان تاج مثل گوردوز اول را برسر دارد ولی وسط تاج بجای شاخ يك خاج است و پشت شاه يك لنگر دیده میشود (صفحه III شكل 4) - این علامت روی تمام سكههای عیلامی وجود دارد و سلوکیها نیز این علامت لنگر را آرم خود میدانستند حالا بجهت منظور سنندروك روی سكه خود میزده معلوم نیست - روی بعضی از این سكهها كه پنده دیدهام علامت لنگر از سر سكه تراشیده شده ممكن است شاه دیگر كه احتمالاً يك غاصب بوده با برداشتن این علامت بخصوص و مشخص خواسته است سكهها را مثل قبلها در آورد كه زیاد چشم گیر نباشد و این غاصب بطوریکه خواهیم دید داریوش آذربایجان است.

در این دوره مابین سكههای پارت به يك نوع سكه با خصوصیت برجسته برمبغوریم كه Wroth چون نتوانسته هویت شاه را تشخیص دهد آن را Unknown King (شاه ناشناس) نامیده ولی Petrowicz Newell و Jacqué de Morgan جزء مهرداد سوم آورده اند - خصوصیت این سكه آن است كه صورت شاه روبرویی است نه نیمرخ (صفحه III شكل 5). باین شكل در سال ۲۷ بعد از میلاد اردوان سوم نیز سكه چهاردرهمی زده این شاهزاده كه فقط از طرف مادری اشكانی بود بتوسط اشراف پارت بتخت نشانده شد بجای Vonones كه رومانوفیل بود و دوستش نداشتند میگویند كه اردوان سوم از ماد Media بوده سكه دوم متعلق به Vardanes II میباشد سال ۵۰ بعد از م. كه وی نیز از ماد برخاسته بود و غاصب حساب شده و چندان هم موفقیت نداشت (صفحه III شكل 10 سكه سوم روبرویی متعلق به بلاش چهارم میباشد) (در سال ۲۰۷ - ۱۹۴ بعد از م.) (شكل 11)

اگرچه نسل او معلوم نیست ولی میدانیم كه برضد بلاش سوم قیام کرده بود - از قرار معلوم سكههای باصورت روبرویی متعلق به غاصبان است كه احتمالاً همگی از ماد برخواسته بودند.

در این زمان سردار رومی Pompey در خاور میانه و ارمنستان لشگر کشی میکرد - لیست شاهانیکه از طرف او در پیروزیهای بعدی مغلوب شده بودند داریوش حکمران اتروپاتن آورده شده. وی در آن موقع تابع و دوست تیگران ارمنستان

بود كه نفوذ و سلطه حكومت خود را بباك اشكانیان توسعه داده بود. شاهزادگان این حكومت كوچك را عادت بر این بود كه با فامیل پادشاهی اشكانی وصلت کنند بطوریکه داریوش خون اشكانی در رگها داشت و این نكته برای کسی كه بتواند بتخت اشكانیان بنشیند يك صفت واجب و لازم بود از نقطه نظر سكه شناسی ما يك شاهی داریم كه در زمان فرهاد سوم اول درماد و بعد در بین النهرین سكه زده و طبق تاریخ داریوش ماد اتروپاتن كه مربوط به اشكانیان ولی تحت نفوذ تیگران ارمنستان بوده در سال ۶۵ ق. م. با فرهاد سوم جنگید و طبق آخرین تحقیقات كه مخصوصاً از طرف Sellwood انجام گرفته «شاه ناشناس» معروف متعلق به داریوش میباشد.

داریوش سكه دیگر بطرز معمولی یعنی نیم رخ نیز زده - يك نكته جالب روی سكههای داریوش این سكه است كه زیر كمان منوگرامها دارد كه منعكس كننده شهرانیست كه ضرب شده و این سرمشق میشود برای شاهان بعدی تا آخر سلسله. **فرهاد سوم** - داریوش بالاخره مغلوب شد و فرهاد سوم امور امپراطوری اشكانی را در دست گرفت و نظم را برقرار كرد - او بتقلید داریوش اسامی شهرهای مختلف و زیاد روی سكهها ضرب کرده است. اول بدون تاج منقوش است ولی بعداً تاج مخصوص شبیه بتاج پدر خود سنندروك برسر دارد (صفحه III شكل 8 الی 9)

**مهرداد سوم** - فرهاد سوم بدست دو پسر خود یعنی مهرداد و اردو مسموم شد يك عمل ننگ آوری كه بعداً هم توسط شاهان دیگر سلسله پیروی شد. از روی علم سكه شناسی و طبق القابی كه روی سكهها نوشته شده میتوانیم بگوئیم كه مهرداد اول بتخت نشست يك نقطه چشم گیر گردیدند مهره ئی است كه بگردن دارد بجای طوق مارپیچ (شكل 12)

فرهاد چهارم نوه او فقط بعداً از این شكل زینت استفاده کرده - روی يك سكه چهاردرهمی نام مهرداد ذكر شده و این اولین بار است كه اسم شخص شاه روی سكه آورده شده است.

**ارد دوم** - بعد از كشتن پدر خود مهرداد و ارد برسر تخت و تاج مخالفت و دعوا داشتند، بطوریکه دیدیم مهرداد اول پیروز شد ولی طرفداران برادرش با سرکردگی سردار سورنا (Suren) او را خلع و بجای او ارد را بتخت نشاندند. مهرداد به گایی نیوس (Gabinus) والی روم در شام پناهنده شد و كمك خواست



ولی مورد قبول واقع نشد و بعداً بتوسط ارود دستگیر و میگویند او را جلو چشم ارد بقتل رساندند.

بمناسبت این پیروزی روی سکه اردنقش Nike (پیروزی) بصورت فرشته که تاج روی شاه میگذارد دیده میشود - (شکل 13) القابی که روی سکهها آورده: شاه شاهان، عادل، مشهور و دوست یونانیها و بالآخره Philopatoroy (دوستدار پدر خود) مورد تعجب است شاید به این وسیله خواسته است خودش را از جرم پدرکشی تبرئه کند.

ارد یکی از مهمترین شاهان اشکانی بود. ارمنستان را تسخیر کرد در این زمان کراسوس (Crassus) سردار بزرگ رومی بقصد تسخیر ایران حرکت کرده بود. در سال ۵۳ ق. م. لژیونهای رومی در جلگه‌های بین‌النهرین و در کاره (Carrhae) بتوسط اسب سواران اشکانی بفرماندهی سورنا شکست فاحشی خوردند - سی هزار نفر مقتول یا اسیر شدند که مابین آنها خود کراسوس و پسرش بودند.

از لحاظ سکه تعجب آور است که به این فتح بزرگ که تمام دنیای قدیم را دگرگون کرد اشاره‌ای نشده. ولی در مدت ۲۰ سال سلطنت ارد انواع و اقسام سکهها زده و فراوانی آنها نشانه رشد اقتصاد و امنیت این زمان است - (صفحه III شکل 14 و 15)

روی سکه‌های ارد بعدی ماه نیم‌هلال یا باستاره دیده میشود میگویند معنی این آن است که ارد خودش را پادشاه و ستاره برادر میدانسته. در اواخر سلطنت يك خال روی پیشانی دیده میشود که شاهان بعدی نیز تقلید میکنند و این علامت ضمانت اصلیت خون پاك اشکانی میباشد. بعد از ارد تا آخر سلسله ۲۴ شاه دیگر سلطنت کرده‌اند چه از لحاظ تاریخ و چه از لحاظ سکه شناسی روشتر است. روی اغلب سکه‌ها اسامی شاهان و تاریخ ذکر شده بطوریکه برای طبقه‌بندی کار آسانتر شده است و زیاد مورد اختلاف نمی‌باشد.